

فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی سال یازدهم / شماره ۲ / تابستان ۱۳۹۷

تاملی بر نقش سن در تحقق بلوغ و مسئولیت کیفری دختران و ناآثار قانونگذار از آن در حوزه حدود و قصاص در

قانون مجازات اسلامی (مصوب سال ۱۳۹۲)

میر احمد موسوی اقدام^۱

دکتر محمد جعفری هرندی^۲

چکیده

در فقه اسلامی سن واحدی برای بلوغ اطفال بیان نشده است و آن یک امر طبیعی است زیرا عوامل مختلفی از جمله وراثت، محیط جغرافیایی، تغذیه و ... هر کدام به نوعی در تحقق بلوغ، در انسان نقش دارند. در این میان مسأله قابل تأمل آن است که مطابق قول مشهور فقهای شیعه، سن مسئولیت کیفری دختران بر مبنای سن بلوغ شرعی (۹ سال تمام قمری) تعیین شده است و این امر سبب شده که این گروه از اطفال در حالی مسئولیت کیفری پیدا کنند که معمولاً در آن سن از توانایی‌های عقلی لازم برای انتساب بزه بی‌بهره‌اند مقاله حاضر به بررسی این مسأله در قرآن کریم، روایات و آراء فقهاء پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بلوغ امری طبیعی است نه تعبدی و سن در آن موضوعیت نداشته بلکه طریقت دارد؛ در تحقق مسئولیت کیفری علاوه بر سن بلوغ، احراز رشد نیز لازم و ضروری است؛ نشانه‌های بلوغ جسمی قابل تسری به بلوغ فکری (رشد کیفری) نیستند و نکته آخر اینکه سن متعین از سوی قانونگذار در تحقق مسئولیت کیفری دختران در حوزه حدود و قصاص در مقایسه با سن آنها در حوزه تعزیرات متناسب نیست چون جرائم مستوجب حدود و قصاص نسبت به جرائم تعزیری مستلزم مجازاتهای شدید و سنگین است و این در حالی است که در دین مبین اسلام توصیه شده است که نسبت به جاری ساختن این نوع مجازات (حدود و قصاص) تا حد امکان خودداری شود.

واژگان کلیدی: اطفال، بلوغ، مسئولیت کیفری، حدود، قصاص.

1- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی شهرری، ایران mosuavi.rahmat@yahoo.com

2- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی شهرری، ایران Harandi_lawyer@yahoo.com

مقدمه

چون اطفال (دختران) دارای وضع روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتر نسبت به سایر اقشار مردم در جامعه دارند لذا ضرورت دارد برای مجازات افراد بزهکار از این گروه روش و میزان متناسب با شرایط خاص خودشان در نظر گرفته شود و هنگام رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط آنها و جلوگیری از تخریب آنها تا حد امکان از هر نوع افراط و تفریط در این زمینه پرهیز شود.

در این میان چون سن نقش مهمی در تعیین مسئولیت کیفری و انتساب بزه نسبت به این گروه از اطفال دارد، لذا حداقل آن برای تحقق مسئولیت کیفری همواره مورد بررسی و اختلاف نظر میان اهل فن قرار گرفته است و با توجه به حاکمیت قوانین شرعی بر قوانین موضوعه و ضرورت تبعیت قانونگذار از نظریه مشهور فقهای امامیه در تدوین و تصویب قوانین، از آن سن در قوانین ایران به سن بلوغ تعبیر شده که در دختران ۹ سال تمام قمری می باشد (۱۴۷ق.م.ا)، یعنی مطابق این ماده زمانی که طفل به سن بلوغ شرعی رسید مسئولیت کیفری در آن تحقق می یابد که این امر نیاز به بررسی و تحقیق داشته و از دیر باز یکی از مباحث جدی حقوق به شمار می آید و سؤالاتی از این قبیل پیش می آید که آیا سن متعین از سوی قانونگذار به عنوان حداقل سن کیفری دختران در تحقق مسئولیت کیفری با عدالت کیفری همخوانی دارد؟ و مبنا و ملاک در تعیین سن بلوغ و به تبع آن برای تحقق مسئولیت کیفری چیست؟

علاوه بر سؤالات فوق، این سوال هم مطرح می شود که چگونه می توان اطفال را گاهی اوقات به خاطر نرسیدن به ۱۸ سالگی از بعضی حقوق همچون اخذ گواهی نامه، گرفتن گذرنامه و... با بزرگ سالان تفاوت گذاشت در حالی که هنگام ارتكاب آنان به جرائم مستوجب حدود و قصاص به دلیل رسیدن به سن بلوغ در ۹ سالگی با آنان همانند بزرگسالان رفتار کرد؟ حال ای بسا اطفالی باشند که در سن مذکور به بلوغ جسمی برسند اما قدرت درک عمل متخلفانه خود را نداشته باشند بنابراین برای حصول علم به بلوغ (اعم از جسمی و فکری) نمی توان به سن خاص بیان شده توسط قانونگذار اکتفا کرد و احکام جزائی را بر روی اطفال جاری نمود که آن می تواند مخالف با فقه مبتنی بر عقل بوده و از مصادیق قاعده تکلیف بمالایطاق باشد. زیرا وقتی قانونگذار سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری بیان می کند که معنی آن این است که از نظر او کودک در این سن به مرحله ای رسیده است که قدرت تشخیص حسن و قبح افعال خود را دارد و می تواند مسئولیت افعال خود را برعهده گیرد در حالیکه دختر ۹ ساله غالباً این قدرت را ندارد.

ابتدا واژه های بلوغ و مسئولیت جزایی را تعریف کرده و سپس به بررسی موضوع می پردازیم.

بلوغ در لغت: به معنای سر رسیدن، رسیدن به سن رشد، جوان شدن کودک، رسیدن به مقصود رشید، وصول به چیزی و ... می باشد (معین، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴. نیز ر.ک: راغب اصفهانی، بی تا: ذیل بلغ و ابن منظور، ۱۴۱۸، ذیل بلغ).

بلوغ در اصطلاح فقهی:

در منابع فقهی تعریف خاصی از بلوغ نشده است. عده‌ای گفته‌اند مراد از بلوغ همان بلوغ طبیعی است (نجفی، بی تا، ج ۹، ص ۲۳۶) و برخی نیز گفته‌اند بلوغ عبارتست از احتلام، ادراک و بالغ شدن (جابری عربلو، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۶۱)

مسئولیت در لغت: به معنای مورد سوال، مطالبه و بازخواست قرار گرفتن انسان در امور و افعالی که انجام داده (معلوف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱۶).

مسئولیت در اصطلاح (حقوق جزا): مسئولیت مرتکب جرمی از جرائم مصرح در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از مجازاتهای مقرر در قانون خواهد رسید (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۶۴۲).

امروزه پژوهش‌های علمی موید این امر است که نشانه‌های بلوغ در اطفال بستگی به عوامل مختلفی چون نژاد، آب و هوا، تغذیه و... دارد بنابراین رسیدن به سن خاصی دلیل بر آمادگی جنسی و به تبع آن پذیرش تکلیف نیست (اردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۷). در مقررات بین‌المللی نیز سنی که برای خردسال اماره مسئولیت کیفری باشد وجود ندارد، پیمان جهانی کودک به کشورهای عضو که ایران نیز یکی از آنهاست، پیشنهاد می‌کند تادر قوانین شان حداقل سنی را تعیین کنند که پایین تر از آن کودکان قابلیت نقض قوانین کیفری را ندارند (امامی نمینی و صلاحی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳): بنابراین مسئولیت کیفری که از آن در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۹۲) به سن بلوغ تعبیر می‌شود در نظامهای حقوقی مختلف در جهان متفاوت است. به عنوان مثال سن رسمی مسئولیت کیفری در آلمان ۱۴ سال و در اسپانیا ۱۶ سال و در کانادا ۱۲ سال است (نحوی، ۱۳۹۶، ص ۳۶).

از دیدگاه علوم طبیعی نیز حقیقت امر این است که همه دختران در ۹ سالگی غالباً به حد بلوغ نمی‌رسند به طوری که در دایره المعارف پزشکی خانواده گفته شده است که دختران در سنین ۱۳ تا ۱۶ سالگی بالغ می‌شوند و بلوغ بر آنها با تغییرات موضعی و عمومی همراه است با این توضیح که این تغییرات روحی و جسمی یکباره بروز نمی‌کند بلکه به تدریج از ۱۰ تا ۱۲ سالگی یعنی قبل از بلوغ، این علائم ظاهر می‌شوند مرحله کامل بلوغ یعنی زمانی که کلیه صفات تناسلی ظاهر می‌شود با وقوع اولین قاعدگی مشخص می‌گردد و با آغاز آن آهنگ صدا تغییر یافته و در زیر بغل و اطراف اعضای تناسلی مو می‌روید و غریزه جنسی و میل شهوی پدیدار می‌شود (پارسا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰۳) براساس تحقیقات پزشکی میدانی که در مدارس تهران توسط آموزش و پرورش و سایر

مراجع زیربط انجام پذیرفته است طبق جدول زیر، سن بلوغ جنسی دختران بسیار متفاوت از میزان سن تعیین شده توسط قانونگذار می باشد و حکم قانون در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، در مورد دختران در تعیین ۹ سال تمام قمری به عنوان سن بلوغ نظری، افراطی و به دور از واقعیت‌های علمی و اجتماعی است، و متناظر به این، سن مسئولیت کیفری نیز بر اساس این حکم قانونی اما غیر واقعی تعیین می شود (شاملو، ۱۳۹۰، ص ۸۵-۸۶).

درصد	فراوانی	رده سنی
۱٪	۴ نفر	۹ تا ۱۱ سالگی
۰/۷۵٪	۳ نفر	۱۰ تا ۱۱ سالگی
۳/۲۵٪	۱۲ نفر	۱۱ تا ۱۲ سالگی
۱۲/۲۵٪	۴۹ نفر	۱۲ تا ۱۳ سالگی
۱۹/۷۵٪	۷۹ نفر	۱۳ تا ۱۴ سالگی
۲۵/۵٪	۱۰۲ نفر	۱۴ تا ۱۵ سالگی
۱۸/۷۵٪	۷۵ نفر	۱۵ تا ۱۶ سالگی
۹/۵٪	۳۸ نفر	۱۶ تا ۱۷ سالگی
۲/۷۲٪	۱۱ نفر	۱۷ تا ۱۸ سالگی
۶/۷۵٪	۲۷ نفر	۱۸ سالگی

(تعداد کل ۴۰۰ نفر)

با توجه به اینکه فرد زمانی دارای مسئولیت کیفری می شود که بالغ و عاقل و مختار باشد، لذا در تحقق مسئولیت کیفری در یک فرد علاوه بر بلوغ، رشد فکری و روانی نیز لازم است. بنابراین در اشخاصی که بین ۹ تا ۱۸ سالگی قرار دارند و نوعاً آثار بلوغ در آنها آشکار شده ولی قوه تمیز (رشد فکری) به کمال خود نرسیده است به مسئولیت نقصان یافته باید مورد توجه قرار گیرد (موسوی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵). تجربه نیز نشان داده است که میان سن بلوغ جسمی و رشد فکری اطفال رابطه ای مناسب و هماهنگ وجود ندارد، دختران زیادی هستند که تازه به سن بلوغ جسمی و شرعی رسیده اند اما از رشد عقلی و فکری لازم در مسائل کیفری برخوردار نیستند و این در حالی است وقتی در امور مدنی که نسبت به امور کیفری از اهمیت کمتری برخوردار است، جهت حمایت از اطفال، علاوه بر سن بلوغ احراز رشد نیز شرط است (قانون مدنی ۱۲۰۱، ق. م) باید به طریق اولی در امور کیفری نیز

احراز رشد شرط باشد که این امر در قرآن کریم و روایات به عنوان منابع اولیه فقهی و همچنین در لسان فقهاء قابل بررسی است:

الف - در آیات قرآن کریم:

در تعدادی از آیات قرآن کریم در مورد بلوغ بحث شده ولی سن خاصی به عنوان سن بلوغ بیان نشده و به طور کلی به سه نوع بلوغ که هر کدام را می توان معیار و نشانه ای در تحقق بلوغ دانست اشاره شده است:

(۱) بلوغ حلم:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ... » ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید باید غلام و کنیز های شما و کسانی از شما که به سن بلوغ بلوغ نرسیده اند سه بار (در شبانه روز) از شما کسب اجازه کنند (نور، ۵۸، ۲۴).

و نیز آیه «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا...» ؛ و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیده اند باید از شما کسب اجازه کنند همانگونه که...» (همان، ۵۹).

از دو آیه فوق روشن می شود که مراد از بلوغ حلم رسیدن به اوان بلوغ جنسی است (طباطبائی، ۱۳۹۶، ج ۱۵، ص ۱۷۷)، در این آیات می بینیم که قرآن کریم برای حفظ حرمت خانواده به کودکانی که به حد بلوغ جنسی رسیده اند دستور می دهد که همیشه هنگام داخل شدن به استراحتگاه پدر و مادر اجازه بگیرند در حالیکه سه بار اجازه گرفتن برای کودکانی که هنوز به بلوغ جنسی نرسیده اند در طول شبانه روز کافی است.

(۲) بلوغ نکاح

در این نوع از بلوغ در قرآن کریم آمده است: « وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ... » ؛ و یتیمان را بیازمایید تا اینکه وقتی به سن زناشویی رسیدند ، پس اگر در ایشان رشدی یافتید اموالشان را به آنها رد کنید...» (نساء، ۶، ۴).

به نظر عده ای از مفسران، مراد از بلوغ نکاح رسیدن کودک به سنی است که در آن توانایی ازدواج پیدا می کند و لکن عده ای نیز منظور از آنرا احتلام دانسته اند (طباطبائی، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۱۸۴).

عده‌ای نیز می‌گویند منظور از بلوغ نکاح، فقط احتلام نیست، زیرا نه احتلام دلیل رشد کامل جسم و روح است و نه عدم احتلام، زیرا افرادی هستند که محتلم نمی‌شوند یا اینکه احتلام آنها به تاخیر می‌افتد. ولی با وجود آن از نظر جسمی و روحی کامل هستند، بنابراین منظور از بلوغ نکاح یعنی رسیدن به مرحله کمال از نظر بلوغ جسمی و روحی (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۲۸).

۳) بلوغ اشد

در این نوع از بلوغ قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم» (یوسف، ۱۲، ۲۲)

در آیه دیگری نیز آمده است: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...؛ و به مال یتیم جز به نحوی نیکوتر نزدیک مشوید تا به حد رشد خود برسد و...» (انعام، ۶، ۱۵۲)

در آیات دیگری نیز درسوره های احقاف / ۱۵، حج / ۵، غافر / ۶۷ و... به «بلوغ اشد» اشاره شده است.

شیخ صدوق می‌نویسد: «اشد» به معنای رسیدن به حد احتلام و کمال عقل است. (صدوق، ۱۴۰۳، ق، ص ۴۹۵)

مرحله بلوغ «اشد» بعد از دوران طفولیت است اما اینکه این مرحله از چه سنی آغاز می‌شود در آیات قرآنی روشن نیست و در این مورد در تفسیر المیزان آمده است که بلوغ اشد در سنی تحقق می‌یابد که چون انسان به آن سن برسد قوای بدنی وی استحکام می‌یابد و به تدریج آثار کودکی زایل می‌شود و این زمان از ۱۸ سالگی شروع شده و تا سن کهولت و پیری ادامه می‌یابد که در این موقع عقل آدمی به کمال رسیده و رشد او کامل می‌گردد

(طباطبائی، ۱۳۹۶، ج ۱۱، ص ۱۲۸).

شیخ طوسی از قول عده‌ای می‌نویسد که زمان «بلوغ اشد» از ۱۸ تا ۶۰ سالگی است و او اضافه می‌کند که بنابه اعتقاد «ابن عباس» این نوع بلوغ از ۲۰ سالگی و بنابه اعتقاد «مجاهد» از ۳۳ سالگی شروع می‌شود (طوسی، ۱۴۰۹ هـ، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۱۷). شیخ طبرسی هم در تفسیر «اشد» از آیه ۲۲/یوسف می‌نویسد: عده‌ای شروع آنرا از ۱۸ سالگی و عده‌ای از ۳۳ سالگی و برخی نیز از ۲۰ سالگی می‌دانند (طبرسی، ۱۳۵۰، مجمع البیان، ج ۱۵، ص ۱۸۷).

با دقت در نظرات فوق معلوم می‌شود که در قرآن کریم سن خاصی به عنوان سن «بلوغ اشد» نیز مطرح نشده است. لذا از دیدگاه قرآن رسیدن به سن معین موضوعیت ندارد و بلوغ زمانی تحقق پیدا می‌کند که انسان به مرحله رشد جسمی و جنسی برسد و سن علامت بلوغ نبوده و علائم معرفی شده برای بلوغ عبارتست از احتلام و رشد.

ب - در روایات

در روایات نیز هر چند سن به عنوان یک معیار برای بلوغ معرفی شده اما مبنای عددی که برای آن معرفی شده متفاوت است.

از امام صادق روایت است که فرموده: بالغ شدن دختر ۹ سالگی است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۷۷).

روایات وارد شده در این مورد بیشتر از سایر اقوال است که هر چند سندیت آنها با یکدیگر برابر نیست.

در روایت دیگری نیز از آن حضرت نقل است که فرموده: دخول بر جاریه جایز نیست مگر اینکه به سن ۹ یا ۱۰ سالگی برسد (حر عاملی، ۱۴۱۳، ق، ج ۷، ص ۷۱). نکته قابل تأمل در این روایت نیز تردید در سن ۹ تا ۱۰ سالگی است که اعتبار روایت را مخدوش می‌سازد ضمن آنکه به سند این روایات هم چندان اعتباری نیست و ضعیف هستند و از طرفی هم این دسته از روایات با روایات مستفیضی که بر جواز دخول بر ۹ سال دلالت دارد معارض خواهند بود (مهریزی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۲).

همچنین در بعضی از روایات در مورد تشخیص بلوغ علاوه بر سن به علائم و معیارهای دیگری نیز اشاره شده است به طوریکه وقتی از امام رضا (ع) در مورد پسر ده ساله ای سوال شد که آیا می‌تواند حج بجا بیاورد یا نه؟ فرمود: پسر زمانی که محتمل شود حج بر او واجب است و دختر نیز زمانی که حیض ببیند حج برایش واجب می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۳، ق، ج ۱۱، ص ۴۵). عمار ساباطی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: چون از امام صادق سوال شد که چه زمانی نماز بر پسران واجب می‌شود؟ فرمود: زمانی که ۱۳ ساله شوند و چنانچه قبل از آن سن نیز محتمل شوند نماز و تکلیف بر آنان واجب می‌شود و دختر نیز مثل پسر است به طوریکه هرگاه به ۱۳ سالگی برسد و یا قبل از آن حیض گردد نماز بر او واجب می‌گردد و او مکلف می‌گردد (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۰۸).

در روایت فوق ۱۳ سالگی شامل افرادی می‌شود که قبل از آن علائم بلوغ را ندیده باشند والا در هر سنی پیش از ۱۳ سالگی اگر در کسی علائم بلوغ رویت شود آن فرد بالغ دانسته می‌شود. اما این روایت از دو جهت قابل تأمل است: اول آنکه روایت مذکور از جمله روایات شاذ است و شخص عمار ساباطی نیز فردی کثیرالخطا شناخته شده

است و دوم اینکه مشهور از این روایت اعراض کرده‌اند که این خود دلیلی بر ضعف این روایت است (مهریزی، ۱۳۸۰، صص ۱۹۳ و ۳۳۸).

حال با توجه به اختلاف روایات در بیان سنین متفاوت برای بلوغ، عده ای معتقدند که در مقام جمع روایات متعارض می‌توان گفت که سن تکلیف به تناسب نوع تکلیف متفاوت است. مثلاً سن بیان شده برای بلوغ درحوزه مسائل عبادی با سن بیان شده در حوزه مسائل کیفری یا مسائل حقوقی متفاوت است. مرحوم صاحب جواهر در بطلان این نظر می‌فرماید: آن نه تنها با اجماع امامیه بلکه با اجماع مسلمین مخالف است چون با اینکه علماء در بیان سن بلوغ مختلف اند اما همگی بر این باورند سنی که حجر را از بین برده و شخص را به حد بلوغ می‌رساند می‌تواند تکلیف را هم ثابت کند و اجماع بر این است آن بلوغی که عبادت را واجب می‌کند تکالیف دیگر را هم واجب می‌نماید و همچنین اجماع است که تفاوتی بین بلوغ برای نماز با بلوغ برای غیر آن، از عبادات نیست... و از کسی نشنیده ایم که اطفال را به حسب اختلاف مراتب سن دسته بندی کرده باشد مبنی بر اینکه برخی از آنها را در نماز بالغ دانسته و همان آنها را در زکات غیر بالغ، یا برخی از آنها را در عبادات بالغ دانسته بدون اینکه آنها را در معاملات بالغ بداند و همانا سن بلوغ یک امر واحد و غیر قابل تجزیه و تکرار است (نجفی، بی تا، ج ۲۶، ص ۴۱)

بنابراین از تامل در روایات فوق روشن می‌شود که اولاً: در روایات نیز سن خاصی به عنوان تنها سن بلوغ بیان نشده است، ثانیاً علاوه بر سن معیارهای دیگری نیز برای بلوغ از جمله احتلام، حیض و حمل بیان گردیده است پس می‌توان نتیجه گرفت که اگر حیض و احتلام نیز همچون سن معیاری برای بلوغ باشد بلوغ یک امر طبیعی است و تحقق آن در افراد مختلف در سنین و شرایط مختلف، متفاوت خواهد بود و نمی‌توان آن را محدود به سن خاصی نمود و سن نیز همچون علائم دیگر بلوغ، موضوعیت نداشته و طریقییت دارد. ثالثاً اختلاف و تعارض میان احادیث در باره سن بیان شده برای بلوغ، موجب عروض شبهه حکمیه خواهد شد و این امر در مسائل کیفری بخصوص در امر حدود، موجب حاکمیت قاعده درء می‌شود، مثلاً با وجود اختلاف بین سنین بیان شده، معیار دانستن ۹ سالگی به عنوان سن بلوغ در حوزه حدود و قصاص با توجه به قاعده فوق قابل تامل است.

ج - در آراء فقها

از دیدگاه عده ای از فقها، بلوغ، کمال طبیعی انسانهاست که موجب باقی ماندن نسل و قوی شدن عقل می‌شود و آن مرحله انتقال از بچگی به کمال و رسیدن به حد مردانگی و زنانگی است (همان، ص ۴)

در میان فقها نیز در مبنای عددی که برای سن بیان شده اختلاف نظر وجود دارد. قول مشهور در سن بلوغ دختران در فقه شیعه ۹ سال تمام قمری است (علامه حلی، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۸ و خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص

۱۸۰). همچنین درباره سن بلوغ در دختران در فقه شیعه به ۱۰ سال هم اشاره شده است (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۳ و بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۰، ص ۳۴۹). و نیز هیچکس از فقهای شیعه معتقد نیست که بلوغ در دختران از ۱۰ سالگی تجاوز می نماید زیرا اختلافی که وجود دارد این است که دختران در ۹ سالگی بالغ می شوند و یا در ۱۰ سالگی (مرعشی، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

از دیدگاه شافعی و حنابله نیز سن بلوغ دختران ۱۵ سالگی بوده و از دیدگاه ابوحنیفه نیز ۱۷ سالگی می باشد و مالکیه هم بر این باورند که از طریق سن نمی توان حکم به بلوغ صغیر داد (طوسی، ۱۴۱۱ ق، الخلاف، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۳-۲۸۲).

عده ای از فقها نیز معتقدند سن فقط یک معیار از معیارهای بلوغ است و معیارهای دیگری نیز همچون انبات، احتلام و حیض وجود دارد (نجفی، بی تا، ج ۲۶، ص ۵).

انبات: که میان دختر و پسر علامت مشترک است عبارتست از روئیدن موی خشن بر شرمگاه. فقهای شیعه و سنی، جز حنفیان این نظر را می پذیرند (طوسی، بی تا، ج ۲، صص ۲۸۲-۲۸۳؛ علامه حلی، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۵ و ابن قدامه، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۵۱۴).

احتلام: مراد از بلوغ حلم رسیدن به اوان بلوغ جنسی است (طباطبائی، ۱۳۹۶، ج ۱۵، ص ۱۷۷) و در اینکه این نوع بلوغ به پسران اختصاص دارد یا شامل دختران نیز می شود اختلاف نظر وجود دارد (نجفی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۰ و علامه حلی، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۷ و نجفی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۰).

حیض و حمل: از علائم اختصاصی بلوغ دختران است. در این علامت میان فقها اجماع است (محقق ثانی، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۵، ص ۱۸۲ و علامه حلی، بی تا، ج ۵، ص ۲۴۲)، و گفته شده است که آن دو دلیل، سابق بر بلوغ هستند یعنی دختر قبلاً بالغ شده و بعداً حامله و حائض گشته و علت آن این است که برای دختر قبل از حامله شدن انزال حاصل شده است (نجفی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۱). و عده ای از فقها نیز گفته اند که این دو علامت برای بلوغ نساء نیست بلکه دلیل بر بلوغ هستند و اگر سن آنها نا معلوم باشد از این دلایل استفاده می شود (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۱-۲، ص ۳۶۳).

از بررسی آراء فقهی مذکور در مورد معیارهای بلوغ در دختران و همچنین نقش سن در بلوغ آنها می توان گفت که اولاً علاوه بر سن معیارهای دیگری نیز برای بلوغ وجود دارد، ثانیاً مبنای عددی سن بیان شده برای بلوغ متفاوت است و ثالثاً سن در بلوغ موضوعیت ندارد و اگر علائم دیگر قبل از این سن معلوم شوند اماره بر بلوغ می شوند و نمی توان سن خاصی را به عنوان سن بلوغ اعلام کرد و محدود کردن تشخیص بلوغ به سن خاص وجهی

ندارد. طوری که مرحوم صاحب جواهر می فرماید: بلوغ از جمله موضوعات احکام شرعی است که مرجع آن عرف و عادت می باشد و در تحدید آن فقط زمانی به شرع مراجعه می شود که شک و تردیدی باقی نماند. و الا اگر بر مبنای عرف و عادت به تحقق بلوغ و عدم آن یقین حاصل شود، دیگر رجوع به شرع بی معنا خواهد بود. (نجفی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۲).

حال می توان گفت که هرچند فقهاء شیعه بر اساس روایات سن بلوغ را ۹ سال تمام قمری و بنابه روایتی ۱۰ سال بیان کرده اند اما نمی توان در چنین مسائلی از آنان تبعثاً تبعیت کرد بلکه نمی توان به این روایات عمل کرد زیرا اولاً با روایات دیگر سازگار نیستند و ثانیاً با واقعیت های خارجی غالباً مطابقت ندارند و ثالثاً به ملاکی که برای بلوغ ذکر شده است که همان رسیدن به احتلام می باشد، هماهنگ نمی باشند (مرعشی، ۱۳۷۶، ص ۱۴).

اکنون از بررسی ادله شرعی روشن شد که بلوغ امری تکوینی است نه تشریحی، پس محدود کردن آن به سن خاص جای بحث دارد زیرا همانطور که قبلاً بیان شد تحقق بلوغ بخاطر طبیعی بودن آن در افراد مختلف متفاوت خواهد بود. هرچند از نظر قانونگذار نیز بلوغ، پایان دوره کودکی است (۱۲۱۰ ق. م). اما از سوی قانونگذار در مسائل حقوقی و سیاسی در اجرای مقررات و برخورداری افراد از حقوق مدنی، سنین مختلفی منظور شده است از جمله:

الف) سن ازدواج برای دختران ۱۳ سالگی و برای پسران ۱۵ سالگی است (۱۰۴۱ ق. م.).

ب) سن مسئولیت کیفری به تبعیت از قول مشهور برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری است. (۱۴۷ ق. م. ا.).

ج) سن بیان شده در مورد مسائل کارگری برای دختران و پسران، به طور یکسان ۱۵ سالگی است (ماده ۷۹ قانون کار).

د) سن بیان شده برای دختران و پسران در مورد حقوق سیاسی و شرکت در انتخابات، به طور یکسان ۱۵ سالگی است (ماده ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری).

ه) سن استخدام دولتی برای پسران و دختران، به طور یکسان ۱۸ سالگی است (ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری).

و)....

حال در این میان تائرفانونگذار در تحقق مسئولیت کیفری به تبعیت از قول مشهور فقهای امامیه در بیان سن ۹ سال تمام قمری به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری که قبلاً ذکر شد برای دختران در حوزه حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی جای تأمل دارد با این توضیح که:

از تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۹۲) روشن می شود که چنانچه فرد از سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص شود به یکی از اقدامات مذکور در بندهای "ت" (اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم) و "ث" (نگهداری در کانون و اصلاح و تربیت) محکوم خواهد شد. واگر سن فرد کمتر از ۱۲ سال باشد مطابق قسمت ذیل این تبصره به یکی از اقدامات مذکور در بندهای الف تا پ ماده ۸۸ محکوم خواهد شد (که حالت اصلاحی، تأدیبی و مراقبتی دارند).

از آنجا که ماده ۱۴۷ همین قانون سن بلوغ دختر را ۹ سال تمام قمری میداند روشن می شود که اولاً از سویی نابالغ ۱۵-۱۲ ساله مطابق تبصره ۲ ماده ۸۸ فقط شامل پسران می شود و ثانیاً از سوی دیگر طبق این تبصره و مفاد ماده ۹۱ همین قانون دختری که بیش از ۹ سال تمام قمری داشته باشد در صورت ارتکاب جرم مستوجب حد یا قصاص همانند بزرگسالان مجازات می شود در حالیکه در پسران تا ۱۵ سالگی چنین نیست و فقط تعزیر می شوند.

نتیجه گیری:

در قرآن کریم در مجموع به سه معیار بلوغ حلم، بلوغ نکاح و بلوغ اشد به عنوان معیارهای بلوغ اطفال اشاره شده است و آیه‌ای در آن نیست که خداوند متعال بلوغ را در ارتباط با سن و سال مطرح کرده باشد و دلیل آن هم این است که زمان بلوغ در افراد مختلف با توجه به عواملی همچون وراثت، تغذیه، محیط و ... متفاوت است.

اگرچه از دیدگاه مشهور فقهای شیعه سن مسئولیت کیفری دختران ۹ سال تمام قمری بیان شده است اما در این مورد بین آنها اختلاف نظر وجود دارد و لذا می‌توان گفت که تعیین سن خاص در فقه اسلامی موضوعیت نداشته بلکه طریقت دارد و در نتیجه نسبت به تغییر زمان، مکان و افراد انعطاف‌پذیر است.

با اینکه بیان میزان و نشانه‌های بلوغ از طرف شارع، آنرا امری تعبدی نشان می‌دهد ولی به دلیل اینکه کودکان به تدریج و به طور طبیعی به این مرحله می‌رسند لذا آن امری تکوینی است و بر اساس مبانی فقهی برای تحقق مسئولیت کیفری، رسیدن به بلوغ شرط کافی نیست و احراز رشد جزایی نیز ضروری است.

به دلیل تبعیت قانونگذار در حداقل سن کیفری از سن بلوغ شرعی در حوزه حدود و قصاص، اگر دختران در سنین ۹ سال تمام قمری به بالا، مرتکب جرائم مستوجب حدود و قصاص شوند مطابق تبصره ۲ ماده ۸۸ و مفاد ماده ۹۱ ق. م. ا، همانند بزرگسالان مجازات می‌شوند، در حالیکه پسران تا سن ۱۵ سالگی اگر آن جرائم را مرتکب شوند تعزیر شده و از واکنش‌های تخفیف یافته برخوردار می‌شوند بنابراین به نظر می‌رسد که میان سن بیان شده بوسیله قانونگذار به عنوان سن بلوغ دختران و تحقق مسئولیت کیفری در دختران در حوزه حدود و قصاص تناسبی وجود ندارد و این امر نیاز به تأمل داشته و به نظر می‌رسد بهتر باشد همانطوری که سن استخدام، سن نکاح و... که بدون توجه به نظر مشهور در قوانین مقرر شده است سن مسئولیت کیفری دختران در حوزه حدود و قصاص نیز با توجه به پویا بودن فقه شیعه به صورت عملی در قانون اصلاح گردد.

فهرست منابع و ماخذ

*قرآن کریم

- ۱- ابن قدامه، عبدالله بن احمد و محمد بن احمد بن قدامه المقدسی، ۱۴۱۴ هـ.ق، المغنی و الشرح الكبير، ج ۴، بیروت، دارالفکر.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۸ هـ.ق، لسان العرب، تحقیق: علی شیری، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر میزان .
- ۴- امامی نمینی، محمود و صلاحی جاوید، ۱۳۸۹، دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، تهران، نشر میزان .
- ۵- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ هـ.ق، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهرین، تحقیق: محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۶- پارسا، مهرداد، ۱۳۸۲، دایره المعارف پزشکی در خانواده، ج ۱، تهران، انتشارات اردیبهشت .
- ۷- جابری عربلو، محسن، ۱۳۶۲، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، ج ۲۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۵، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج .
- ۹- الحر العاملی، محمد ابن الحسن، ۱۴۱۳ هـ.ق، وسائل الشیعه، ج ۱۱، بیروت، موسسه آل البيت (علیه السلام) الاحیاء التراث .
- ۱۰- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، بی تا، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، محقق: حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، ج ۵، بیروت، دارالاحیاء التراث .
- ۱۱- حلی (محقق)، جعفر ابن حسن، ۱۳۸۹، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱-۲، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۱۲- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ هـ.ق، منهاج الصالحین، ج ۲، قم، نشریه مدینه العلم.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سیدگیلانی، ج ۱، تهران، المكتبة المرتضویة .

- ۱۴- شاملو، باقر، ۱۳۹۰، عدالت کیفری و اطفال، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۵- شیخ صدوق، محمد ابن علی، ۱۴۰۳ هـ ق، الخصال، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، منشورات اسلامیه.
- ۱۶- الطباطبائی، السیدمحمد حسین، ۱۳۹۶، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۷- طبرسی، فضل بی حسن، ۱۳۵۰، تفسیر مجمع البیان، مترجم و مصحح: رسولی هاشمی، ج ۵ / قم، انتشارات فراهانی.
- ۱۸- طوسی، ابوجعفر محمد ابن حسن، بی تا، المبسوط فی فقه الامامیه، حاشیه نویسن: کشفی، محمد تقی، ج ۲، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- _____، ۱۳۶۳، الاستبصار، مصحح: محمد آخوندی، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰- _____، بی تا، الخلاف، محقق: خراسانی، سید علی و شهرستانی، سید جواد، ج ۳، قم، موسسه نشراسلامی.
- ۲۱- _____، ۱۴۰۹ هـ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، ج ۶، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۲۲- محقق کرکی، علی ابن الحسین، ۱۴۰۸ هـ ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق: موسسه آل بیت (علیهم السلام)، الاحیاء التراث، ج ۵، قم، موسسه آل بیت (علیهم السلام)، لاحیاء التراث.
- ۲۳- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۴، میزان الحکمه، مترجم: شیخی، حمید رضا، تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحديث، ج ۲، قم، دارالحديث.
- ۲۴- مرعشی، سید محمد حسین، ۱۳۷۶، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان.
- ۲۵- معلوف، لويس، ۱۳۹۰، فرهنگ المنجد فی اللغه والاعلام، ج ۱، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۲۶- معین، محمد، ۱۳۸۲، فرهنگ معین، (تک جلدی)، تهران، نشر یلدا.
- ۲۷- موسوی، عافیه السادات، ۱۳۹۰، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد.
- ۲۸- مهریزی، مهدی، ۱۳۸۰، بلوغ دختران، تهران، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۹- نجفی ، محمدحسین ، بی تا ، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام ، محقق : آخوندی ، علی ، ج ۲۶ ، بیروت ، دار الاحیاء التراث العربی .

۳۰- نحوی ، عادل ، ۱۳۹۶ ، بزهکاری اطفال مسئولیت کیفر آن در اسناد بین المللی ، ماهنامه دادرسی ، سال بیست و یکم فروردین و اردیبهشت صص ۳۴-۳۹ و شماره بیست و دوم صص ۴۹-۵۴ .

